

بررسی تطبیقی انواع خسارات قابل مطالبه توسط

اصیل

در صورت رد معامله (بیع) فضولی

رسول احمدی فر*

استادیار گروه مدیریت بازرگانی دانشگاه ملایر، همدان، ایران

پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۲۸

دریافت: ۱۳۹۲/۹/۱۹

چکیده

قانون مدنی ایران در بیع فضولی براساس منابع فقهی، مشتری جاهل به فضولی را مستحق اصل ثمن به انضمام غرامات دانسته است. رویه قضایی به منظور تعیین غرامت به معیار واحدی نرسیده و بعضی محاکم صرفاً به اصل ثمن، خسارت تأخیر تأدیه از روز پرداخت ثمن و مخارجی که مشتری برای قرارداد یا مبیع کرده می‌دهند و بعضی به نرخ زمان کارشناسی به انضمام مخارج مشتری. در مقاله حاضر با تفسیر مناسب عبارت «غرامت»، مشتری مستحق خسارات وارد شده و منافع ممکن‌الوصول مبیع (ثمن به نرخ زمان کشف فضولی، در صورتی که مبیع قبض نشده باشد، یا خلع ید، در صورت قبض مبیع، به انضمام منافع ثمن از هر دو تاریخ، هزینه دادرسی، اجرت دلال، تنظیم سند و...) دانسته شده است. در حقوق مصر مشتری مستحق ثمن به نرخ زمان کشف فضولی، منافع قانونی ثمن از آن تاریخ، مخارج قرارداد، هزینه‌های مبیع و هزینه دادرسی است. در حقوق فرانسه این خسارات شامل ثمن به نرخ زمان خلع ید، مخارج قرارداد، مخارج مبیع و هزینه دادرسی می‌شود.

واژگان کلیدی: غرامات، غرامات مشتری، بیع فضولی، ماده ۲۶۳ قانون مدنی، ماده ۳۹۱ قانون مدنی

Email: R_ahmadifar@yahoo.com

* نویسنده مسئول مقاله:

۱. مقدمه

فقه‌ها احکام معاملات را در بخش بیع بیان کرده‌اند. در قانونگذاری هم پاره‌ای از قواعد عمومی قراردادها (بالاخص قسمتی از مسأله تحقیق) در قسمت بیع بیان شده است. از طرفی اکثر اختلافاتی که درخصوص مطالبه غرامات مطرح می‌شود در موضوع بیع است. به این خاطر برای مطالعه موضوع تحقیق، عقد بیع انتخاب شده است. قانون مدنی ایران در فرض رد معامله فضولی، فضول را ضامن غرامات مشتری دانسته است.^۱ غرامات، واژه‌ای کلی و مبهم است. این اجمال متأثر از منابع فقهی است. متون فقهی در بیان خسارات قابل مطالبه توسط مشتری در بیع فضولی به اصطلاح غرامات اکتفا کرده‌اند و در هر زمان براساس عرف عبارت غرامت تفسیر شده است [۱، ج ۱ و ۲، ص ۲۶۸؛ ۲، ج ۳، ص ۴۹۳؛ ۳، ج ۳، ص ۴۴۸]. در متون حقوقی به تبعیت از قانون مدنی این راه ادامه داده شده و معیاری برای ارزیابی غرامات مشتری ارائه نشده است. بر این اساس ارائه معیاری برای تعیین «غرامات وارد شده به مشتری» در فرض رد معامله فضولی توسط اصیل موضوعی است که در مقاله حاضر با مطالعه فقه امامیه و حقوق داخلی در مقایسه با حقوق مصر و موادی از قانون مدنی فرانسه به لحاظ این‌که این دو نظام دارای موضوعات مشترکی در مسأله تحقیق می‌باشند، در دو بخش تحت عناوین غرامات مستقیم و غرامات ناشی از منافع مورد معامله به آن پرداخته شده است. غرامات مستقیم شامل ثمن و هزینه‌های متعارف و معمول می‌شود و غرامات ناشی از منافع مورد معامله عبارت است از خساراتی که مالک از مشتری به‌عنوان عوض منافع مورد معامله مطالبه می‌کند و خسارات ناشی از فوت منافع ممکن‌الحصول.

۲. غرامات مستقیم

غرامات مستقیم در زمان رد معامله و به واسطه آن مستقیماً به مشتری وارد شده است. در قرارداد بیع مخارجی مانند: (۱) ثمن، (۲) هزینه‌های متعارف و معمول قرارداد،

۱. مواد ۲۶۳ و ۳۹۱ ق.م.

به واسطه این‌که با کشف فضولی بیهوده می‌شوند گرامات مستقیم هستند.

۲-۱. ثمن

بیع از عقود مغایبه است. در صورتی که به علت فضولی بودن مشتری نتواند مبیع را تملک کند «به خاطر عدم وجود چیزی که موجب خروج ثمن از ملکیت مشتری شده باشد می‌تواند به بائع رجوع نماید» [۴، ص ۲۶۵؛ ج ۵، ص ۲۲، ص ۳۰۱ ماده ۲۶۳ و ۳۹۱ ق.م.ق]. اعم از این‌که عالم به فضولی باشد یا جاهل و «خواه ثمن موجود باشد خواه تلف شده باشد» [۶، ج ۲، ص ۴۴۴؛ ج ۲، ص ۴۸۴]. مطابق ظاهر منابع فقهی و قانون مدنی مشتری صرفاً مستحق مطالبه اصل ثمن و آن چیزی شده که بائع او را مغترم کرده است [۵، ج ۲، ص ۳۰۱؛ ج ۲، ص ۴۸۴؛ مواد ۲۶۳ و ۳۹۱ ق.م.ق]. در نتیجه این سؤال مطرح می‌شود: اگر ثمن نسبت به تاریخ پرداخت کاهش ارزش داشته باشد مشتری مستحق معادل کاهش ارزش ثمن است؟ پاسخ این سؤال بستگی به این دارد که کسر ارزش ثمن عدم‌النفع باشد یا منافع ممکن‌الحصول.

۲-۱-۱. عدم‌النفع

عدم‌النفع «تغییر نکردن وضع شخص به طوری است که نه چیزی از آن کسر و نه بر آن افزوده شود» [۷، ص ۱۶۶]. مواردی که حاصل نشدن منفعت به‌تنهایی ناشی از فعل زیانبار نبوده و اعمال دیگری^۱ برای حصول منفعت احتیاج است، عدم‌النفع است و به لحاظ این‌که مقتضای منفعت حاصل نشده، این حاصل نشدن منفعت، خسارت نبوده و قابل مطالبه نیست [۸، ج ۱، ص ۴۳۶].^۲ در موردی که ثمن وجه رایج است عرفاً توقع می‌رود، با گذشت زمان، کاهش ارزش داشته باشد. در فرضی که به علت فضولی بودن مشتری به توقع قراردادی نمی‌رسد، نسبت به کسر ارزش مغترم می‌شود. این در حالی است که اگر مالکیت مشتری بر مبیع صحیح بود، برای مشتری ارزش افزوده ایجاد

۱. حقوقی یا مادی.

۲. برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید به [۹، ص ۲۴۴ و ۲۴۵].

می‌شد. در نتیجه اضافه ارزش عدم‌النفع نیست.

۲-۱-۲. اضافه ارزش منافع ممکن‌الحصول است

مطابق اصل مذکور در ماده ۳۲ ق.م.: «تمام ثمرات و متعلقات اموال منقوله و غیرمنقوله که طبعاً یا در نتیجه عملی حاصل شده باشد بالتبع مال مالک اموال مزبوره است». اضافه ارزشِ ثمن، منفعتی تبعی و ممکن‌الحصول است که بعد از قرارداد تدریجی و بدون دخالت بایع ایجاد می‌شود و در زمان کشف فضولی معمولاً این منفعت برای ثمن حاصل شده است. در بیع فضولی به خاطر این‌که ثمن از ملکیت مشتری خارج نمی‌شود، منافع آن برای مشتری باقی می‌ماند و تملک آن توسط فضول بدون سبب و مشمول آیه شریفه «لا تأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» [۱۰، ج ۴، ص ۵۰۳] است و فضول باید در صورت جهل مشتری معادل کاهش ارزش ثمن را به مشتری برگرداند. اگر مشتری «نسبت به موضوع عالم بوده و معامله کند مورد خارج از شمول قاعده است» [۱۱، ج ۱، ص ۱۶۱؛ ۷، ص ۱۶۹] و «فقط می‌تواند آنچه را به‌عنوان ثمن به فروشنده پرداخته بازستاند»^۱ [۱۲، ج ۱، ص ۲۶۶؛ ۱۳، ج ۲، ص ۱۳۸]. برای محاسبه اضافه ارزش ثمن به‌عنوان منافع ممکن‌الحصول ممکن است هرکدام از معیارهای ذیل در نظر گرفته شود:

۱. مشتری مستحق ثمن به انضمام خسارت تأخیر تأدیه از روز کشف فضولی است.
۲. مشتری مستحق ثمن به انضمام خسارت تأخیر تأدیه از روز مطالبه است. این دو فرض جدا از ایراد واقعی نبودن نرخ خسارت تأخیر تأدیه، شامل خسارات قبل از مطالبه نمی‌شوند.
۳. مشتری مستحق ثمن با توجه به نرخ تورم از روز پرداخت ثمن تا روز رد است. با توجه به غیرواقعی بودن نرخ خسارت تأخیر تأدیه، خسارات مشتری جبران نمی‌شود.

۱. در حقوق مصر در این فرض مشتری می‌تواند قیمت مبیع را در وقت مستحق‌الغیر درآمدن مطالبه کند.

۴. مشتری مستحق ثمن موجود و مثل، قیمت یا بدل آن در صورت تلف است. ید بایع ضمانی است و باید ثمن را به مالک برگرداند که در صورت وجود باید همان را برگرداند و در صورت تلف ثمن، اگر قیمی باشد، قیمت آن و اگر مثلی باشد، مثل آن را بدهد. اگر به علت دیگری رد عین ممکن نباشد باید بدل را بدهد. در مواردی که ثمن وجه رایج است به لحاظ این که وجه رایج مثلی است، باید مثلش را بدهد. برای تعیین مثل، معیار زمان و ارزش را باید در نظر گرفت و ضمان بایع مثل ارزش ثمنی که دریافت کرده در زمان استرداد است. به عبارتی «مشتری طلبکار ثمن به نرخ زمان رد از بایع است» [۱۴، ج ۲، ص ۱۷۱-۱۷۲]، معیار تعیین مثل ثمن، ارزش مبیع در زمان رد است، نه نرخ تورم.

۵. مشتری مستحق ارزش مبیع در زمان کشف فضولی و خسارت ثمن از آن تاریخ است.

مشتری مستحق افزایش متعارف قیمت مبیع است و در صورتی که عاملی از آن جلوگیری کند مسؤول جبران خسارات ناشی از آن است. در این صورت، دادگاه می‌تواند با ارجاع موضوع به کارشناس ارزش مبیع را در زمان کشف فضولی تعیین و مشتری مستحق همان است. در صورتی که بایع ثمن را در این تاریخ نپردازد مشتری می‌تواند منافع قانونی آن را از آن تاریخ مطالبه کند (ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م.). در صورتی که مبیع کاهش ارزش داشته باشد مشتری باید بتواند ثمنی را که پرداخته مطالبه کند. موضوعی که در حقوق مصر برای مشتری شناسایی شده و مشتری می‌تواند ابطال قرارداد و ثمنی را که پرداخته مطالبه کند یا درخواست ابطال نکند و منافع قرارداد را بخواهد [۱۵، ص ۲۷۱]. مشتری می‌تواند قیمت مبیع را در وقت مستحق‌لغیر درآمدن با فواید قانونی از آن تاریخ مطالبه کند (بند ۱ ماده ۴۴۳ ق.م. مصر)، «زیرا مشتری درخواست جبران خسارت براساس مسؤولیت عقدی دارد، نه فسخ یا ابطال تا گفته شود بایع ملزم به رد ثمن است. این نوع جبران به میزان خسارتی است که در زمان حصول ضرر عملاً به مشتری وارد شده است. مشتری قیمت مبیع را در این زمان می‌گیرد و علم و جهل طرفین در این خصوص تأثیری ندارد؛ زیرا بایع ملزم به رد قیمت زمان مستحق‌لغیر درآمدن مبیع است. این استثنایی بر قواعد عام است که مقرر

می‌دارند فواید در فرض عدم استحقاق حکم داده نمی‌شود، مگر از روزی که به شکل رسمی و از طریق قضایی مطالبه شده باشد. دلیل این استثنای ظاهری این است که مشتری از مبیع محروم شده، از انتفاع از آن، از استعمال آن یا از محصول آن در صورتی که مبیع از روز کشف عدم استحقاق منتج به حاصل شده باشد محروم شده و بایع ملزم به دادن این فواید است؛ حتی اگر مبیع به ثمر نرسد» [۱۶، ص ۳۲۸]. در حقوق ایران اگر مبیع تصرف نشده باشد این روش برای جبران خسارات او مناسب‌تر است؛ زیرا فضول، مدیون ارزش مبیع در زمان کشف فضولی است. با کشف فضولی قبل از قبض مبیع فضول ضامن ارزش مبیع در همین تاریخ است و اگر در آن تاریخ آن را نپردازد، باید خسارات آن را نیز تا زمان پرداخت بپردازد (ماده ۵۱۵ ق.آ.د.م.).

۶. مشتری مستحق ارزش مبیع در زمان خلع ید و خسارت ثمن از آن تاریخ است. تا زمان خلع ید مبیع در تصرف مشتری باقی است. مشتری بنا بر اعتمادی که به ید فضول داشته مبیع را حفظ کرده و از این تاریخ مالک با اثبات مالکیت خود مبیع را از مشتری پس می‌گیرد. در نتیجه، فضول ضامن ارزش مبیع در این تاریخ است. ماده ۱۶۳۳ ق.م. فرانسه یکی از التزامات فضول را برگرداندن ثمن به نرخ زمان خلع ید دانسته است. ماده ۱۶۳۰ ق.م. فرانسه در این خصوص مقرر می‌دارد: «اگر مبیع در تاریخ خلع ید افزایش قیمت داشته باشد، خواه مستقیماً یا به خاطر عمل خریدار، بایع متعهد است تا مبلغ اضافه ارزش را به خریدار پرداخت نماید». در حقوق ایران در مواردی که مشتری مبیع را تصرف کرده، این روش به نحو مناسبی خسارات او را جبران می‌کند؛ زیرا قرار بوده مبیع در ملکیت مشتری باشد و معادل ارزش آن تا این تاریخ بر دارایی مشتری بیفزاید. حال که چنین نشده مشتری مستحق مطالبه این ارزش از شخصی است که باعث فوت آن شده است.

۲-۲. هزینه‌های متعارف و معمول

بایع در محدوده عرف مکلف به جبران هزینه‌های متعارف و معمول قرارداد است [۱۳، ج ۴، ص ۲۴۹ و ۲۵۶]. در قرارداد فضولی دو نوع هزینه قابل پیش‌بینی است: (۱) هزینه‌های مرحله انعقاد تا کشف فضولی؛ (۲) هزینه‌هایی که بعد از کشف فضولی

صورت می‌گیرد.

۱-۲-۲. هزینه‌های مرحله انعقاد تا کشف فضولی

۱-۱-۲-۲. هزینه‌های قرارداد

اجرت دلال، حق العملکار، تنظیم سند و نقل مکان به محل مبیع جدید هزینه‌های قراردادنند. مشتری در صورت جهل به فضولی با اطمینان به ید بایع اقدام به این هزینه‌ها می‌کند. اگر مالک مبیع نشود این هزینه‌ها غرامت است و «می‌تواند برای مطالبه آن‌ها به بایع مراجعه نماید» [۵، ج ۲۲، ص ۳۰۱]. در فرضی که هر دو عالم به فضولی هستند، ولی براساس اوضاع و احوال انتظار رضایت مالک هست و اتفاقاً مالک قرارداد را تنفیذ نمی‌کند. تحمیل هزینه‌ها به مشتری عادلانه نیست و تقسیم عادلانه‌تر است. در حقوق مصر این هزینه‌ها ذیل عنوان جبران خسارات مشتری به صورت کلی بیان شده و شامل خسارات وارد شده، هزینه‌های اختیاری و سایر خسارات است. «هدف قانونگذار از عبارت [سایر خسارات] تبیین حقوق مشتری در جبران همه خساراتی است که به او وارد شده یا منافی که از او فوت گردیده» [۱۷، ص ۲۱۵]. «بنا براین، مشتری می‌تواند برای مخارج معاینه مبیع، اجرت نقل مکان به محل مبیع و خروج از آن، هزینه کاتب، ثبت و حق العملکار به بایع مراجعه نماید» [۱۸، ص ۱۷۶؛ ۱۹، ص ۳۰۳؛ ۲۰، ص ۳۳۷]. در حقوق فرانسه مطابق بند ۴ ماده ۱۶۳۰ ق.م. یکی از اقسام خسارات قابل مطالبه توسط مشتری هزینه اصلی و هزینه‌های مناسبی است که مشتری برای قرارداد بیع متحمل شده و می‌تواند آن‌ها را از بایع مطالبه کند.

۲-۱-۲-۲. هزینه‌های بعد از قرارداد تا کشف فضولی

مشتری با توجه به اعتمادی که به ید بایع، صحت قرارداد و به تبع آن مالکیت خود و جواز قانونگذار دارد، بعد از قرارداد مخارجی می‌کند. اگر این مخارج به صورت عین منفصل بروز خارجی داشته باشد متعلق به او است و در غیر این صورت حقی نسبت به منافع ندارد (ماده ۳۱۴ ق.م.); ولی فضول ضامن این هزینه‌ها به نرخ تاریخ جبران خسارت

است و مشتری می‌تواند به او مراجعه کند، زیرا اقدام مشتری به علت غروری بوده که فضول باعث آن شده است [۵، ج ۲۲، ص ۳۰۱].^۱ مشتری با توجه به ماده ۳۰ ق.م.ا مجاز در هر نوع تصرف مالکانه است. تحدید مسؤولیت باعث انتقال خسارت به عهده مشتری می‌شود؛ مانند جایی که در قرارداد فروش ثانوی و به منظور تضمین درک مبیع، بایع تعهدی گزاف برعهده می‌گیرد. بعد از کشف فضولی بودن معامله نخست، بایع دوم مجبور به پرداخت وجه التزام می‌شود. حال این سؤال مطرح می‌شود: مشتری می‌تواند برای مطالبه خسارتی که در نتیجه پرداخت وجه التزام متحمل شده به فضول مراجعه کند؟ در موردی مشابه گفته شده: «پاسخ منفی است، زیرا سبب اصلی خسارت، قرارداد میان خریدار و فروشنده است. گزافی «وجه التزام» وسیله ترغیب خریدار به انجام معامله بوده است» [۱۳، ج ۴، ص ۲۴۹ و ۲۵۶]. علت اصلی این هزینه‌ها اعتماد مشتری به ید بایع و این پندار بوده که مجاز به هر نوع تعهد است و هر مالکی نسبت به مایملک خود حق دارد هر نوع تصرفی را برای جلب منافع مشروع و متعارف انجام دهد. مشتری به خاطر غرور فضول خسارت دیده و باید خسارت او جبران شود. قابلیت مطالبه این نوع خسارات ضمانت اجرایی است برای جلوگیری از معامله فضولی.

در حقوق مصر در موردی که مشتری بعد از قرارداد هزینه‌های نافی در مبیع کرده باشد و مستحق مطالبه آن‌ها از مالک نباشد می‌تواند آن‌ها را از متصرف مطالبه کند. صدر بند ۳ ماده ۴۴۳ ق.م. مصر این هزینه‌ها را جزء خساراتی قرار داده که مشتری می‌تواند از فضول مطالبه کند. قانون مدنی مصر به این نوع هزینه‌ها، هزینه‌های اختیاری گفته و بین هزینه‌های ضروری، نافع و اختیاری تفاوت قائل شده است.

۲-۱-۲-۱. هزینه‌های ضروری
این هزینه‌ها «هزینه‌هایی مانند هزینه محافظت، نگهداری و مخارج تعمیر بنا می‌باشند»

۱. برای دیدن نظر مخالف رجوع کنید به [۲۱، ص ۱۷۸].
۲. «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در مواردی که قانون استثنا کرده است.»

[۲۲، ص ۳۳۶] و مشتری می‌تواند برای آن‌ها به بایع مراجعه کند.^۱

۲-۲-۱-۲-۲. هزینه‌های نافع

هزینه‌های نافع «ضرورت ندارند، ولی باعث افزایش قیمت مبیع می‌شوند، مانند کشت محصول یا درخت» [۲۲، ص ۳۳۶]. در این صورت اگر حائز سوءنیت داشته باشد مالک می‌تواند تقاضای اضماله آن‌ها را بکند و خسارتش را هم مطالبه کند و یا با مشتری برای ابقای آن‌ها توافق کند (ماده ۹۲۴ ق.م.). در صورت حسن‌نیت، مالک مختار است مخارج مشتری یا تفاوت قیمت مبیع را به او بپردازد (ماده ۹۲۵ ق.م.).

۲-۲-۱-۲-۳. هزینه‌های اختیاری

این هزینه‌ها مطابق ذیل بند ۳ ماده ۴۴۳ ق.م. مصر در صورت سوءنیت بایع قابل مطالبه‌اند و «مخارجی هستند که برای آراستن و زیبایی مبیع صورت می‌گیرد و مشتری نمی‌تواند برای مطالبه آن‌ها به مستحق مراجعه کند. مطابق بند ۳ ماده ۹۸۰ در صورتی که مبیع قابلیت برگشت به حالت نخست را داشته باشد صرفاً می‌تواند آن‌ها را اضماله کند» [۲۲، ص ۳۳۸]. ماده ۴۳۶ ق.م. مصر در این خصوص مقرر می‌دارد: «بایع مال غیر اگر سوءنیت داشته باشد باید همه مخارج اختیاری یا احسانی را که مشتری برای مبیع کرده به او بدهد». «مشتری نسبت به مخارج اختیاری حق رجوع به مستحق ندارد. همچنین اگر بایع حسن‌نیت داشته باشد به او هم نمی‌تواند مراجعه نماید، زیرا مدیون در مسؤولیت عقدی مسؤول ضرر غیرمتوقع نیست و ممکن است مخارج اختیاری امری غیرمتوقع باشد. اگر بایع سوءنیت داشته باشد مسؤول این خسارات ولو غیر ضروری می‌باشد. لذا مشتری می‌تواند به او مراجعه کند» [۲۳، ج ۴، ص ۹۶]. حقوق مصر از یک طرف در صورت حسن‌نیت بایع مشتری را مستحق مطالبه ثمن به نرخ زمان کشف فضولی به انضمام منافع آن از آن تاریخ می‌داند و از طرف دیگر در مسأله مخارج اختیاری

۱. بند ۱ ماده ۹۸۰ ق.م.: «مالکی که ملک به او رد می‌شود بایستی تمامی مصارف ضروری را به کسی که مال را به او می‌دهد پرداخت نماید».

حسن نیت بائع را مانع مطالبه این مخارج دانسته است. مطابق ماده ۱۶۳۴ ق.م. فرانسه مشتری می‌تواند عوض تعمیراتی را که در مبیع ایجاد کرده از فضول مطالبه کند: «بایع متعهد است عوض تعمیرات نافع یا بهبودبخشی را که مشتری در مبیع کرده به او بدهد یا کسی که مشتری را از مبیع خلع ید کرده مجبور به پرداخت آن کند». ماده ۱۶۳۵ ق.م. فرانسه در موردی که فروشنده با سوءنیت مستغلاتی را می‌فروشد، او را متعهد کرده کلیه هزینه‌های خریدار را برگرداند، حتی هزینه‌هایی که مشتری برای کالاهای لوکس (تزیینی) یا دلخواه کرده است.

۲-۲-۲. هزینه‌های بعد از کشف فضولی

هزینه دادرسی، حق الوکاله و هزینه کارشناسی هزینه‌های متعارف دادرسی محسوب می‌شوند. این هزینه‌ها خسارت دادرسی بوده، محکوم‌علیه ضامن آن‌ها است (ماده ۵۱۹ ق.آ.د.م). مشتری در صورت موفقیت در دعوی ضامن، می‌تواند هزینه‌های دادرسی را که در دعوا با مالک و فضول متحمل شده، مطالبه کند [۲۴، ج ۱، ص ۳۷۷]. بند ۴ ماده ۴۴۳ ق.م. مصر این هزینه‌ها را شامل: «همه مخارج دعوی ضامن و دعوی استحقاق، بجز آنچه به واسطه اخطار به بائع، مشتری می‌تواند از تحمیل آن‌ها رهایی یابد» دانسته و فضول را ضامن آن می‌داند. «در مسأله مستحق‌الغیر در آمدن نسبت به مخارج دعوی استحقاق، مشتری به بائع مراجعه می‌کند. ممکن است مشتری طرح دعوا و آن را تعقیب کرده باشد. زمانی که حکم به نفع او صادر می‌شود باید فضول هزینه‌های او را پرداخت کند» [۲۵، ج ۴، ص ۶۸۲].

«خسارت دادرسی در حقوق فرانسه تحت عنوان مخارج محاکمه ذکر شده^۱ و در تعریف آن گفته شده کلیه هزینه‌هایی است که برای طرح و تعقیب دادخواست باید تحمل کرد و سه قسم است: مخارج در موضوعات مدنی، مخارج در موضوعات کیفری، مخارج در موضوعات اداری» [۲۶، ص ۸۱]. در ماده ۶۹۵ قانون آیین دادرسی جدید فرانسه هزینه دادرسی شامل این موارد است: «هزینه‌های مربوط به اقدامات، دادرسی و

1. frais et depens

جریان اجرا که عبارتند از: (۱) هزینه، مالیات، امتیازات دولتی یا حقوق وضع شده توسط منشی دفتر دادگاه یا مالیات دولتی، مالیات و جریمه‌هایی که ممکن است به موجب اسناد و عناوین ارائه شده جهت حمایت از طرفین شده باشد؛ (۲) هزینه ترجمه مدارک، در موردی که ترجمه به موجب قانون یا تعهدات بین‌المللی مورد احتیاج است؛ (۳) هزینه شهود؛ (۴) هزینه متخصص و کارشناس؛ (۵) هزینه پرداختی ثابت؛ (۶) حقوق مأمورین عمومی؛ (۷) هزینه وکلا در حدی که قرارداد تنظیم شده است؛ (۸) هزینه‌های پرداختی برای ابلاغ در خارج از کشور؛ (۹) هزینه‌های تفسیر و ترجمه مدارک ارائه شده لازم که بایستی به خارج منتقل شود». ماده ۶۹۶ قانون جدید آیین دادرسی مدنی فرانسه جایگزین ماده ۱۳ سابق شده و مقرر می‌دارد: «هزینه‌های قانونی بر محکوم‌علیه تحمیل خواهند شد، مگر قاضی به موجب تصمیمی مدلل، تمام یا قسمتی از آن را بر طرف دیگر تحمیل کند». به موجب حقوق فرانسه «محکوم‌علیه باید هزینه‌های حقوقی را به طرف مقابل بپردازد. به هر حال، به طور معمول دادگاه خسارت مطالبه شده را بررسی می‌کند و مبلغ اعطایی به‌ندرت با مبلغ ادعا شده و آنچه واقعاً توسط محکوم‌کله صرف شده مطابقت دارد» [۲۷]. در حقوق ایران مطابق ماده ۵۱۹ ق.آ.د.م. محکوم‌کله می‌تواند هزینه‌های ذیل را از محکوم‌علیه مطالبه نماید: (۱) هزینه دادرسی، (۲) حق الوکاله وکیل، (۳) هزینه‌های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی بوده و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است، از قبیل حق الزحمه کارشناسی و هزینه تحقیقات محلی. هزینه‌هایی مانند مالیات، هزینه ترجمه مدارک، هزینه شهود، حقوق مأمورین، هزینه ابلاغ در خارج از کشور و هزینه تفسیر در حقوق ایران نیز مانند فرانسه در صورتی که برای اثبات دعوا یا دفاع لازم باشد، قابل مطالبه است.

۳. غرامات ناشی از منافع مورد معامله

این غرامات عبارتند از خساراتی که مالک از مشتری به‌عنوان عوض منافع مورد معامله مطالبه می‌کند و نیز خسارت ناشی از فوت منافع ممکن‌الحصول.

۱-۳. خساراتی که به عنوان عوض منافع مورد معامله، مالک از مشتری مطالبه می‌کند

منافع مال به تبعیت از عین، متعلق به مالک عین است (ماده ۳۲ ق.م.). اگر شخصی مالک را از این منافع محروم کند، «در صورتی که آن منافع حلال و عقلائی باشند» [۲۸، ج ۵، ص ۱۱۳] مالک می‌تواند «به متصرف مراجعه کند» [۲، ج ۳، ص ۴۷۳]. چنان‌که «اگر مثلاً خانه‌ای کرایه کند و تسلیم او شود و مدت بگذرد، اجرت ثابت می‌شود، خواه در آن سکونت کند یا نه (با اختیار) و همچنین اگر حیوانی را برای سواری یا حمل بار کرایه کند و با امکان عمل به عقد مدت بگذرد، اجرت مستقر و پرداخت آن بر او واجب می‌شود، خواه سوار شود و حمل کند یا نه» [۲۹، ص ۸۲۳]: زیرا «اجرت با تسلیم منفعت مستقر می‌شود و اگر مستأجر آن را تفویض نماید مال خودش را تلف نموده است» [۳۰، ج ۱، ص ۲۷۵] در نتیجه، مالک می‌تواند برای مطالبه منافع مال خود به نسبت مسؤلیت مشتری به او رجوع کند (ماده ۳۲۰ ق.م.). مشتری ضامن منافع لاحق برید خود نیز هست؛ زیرا «برخلاف وضع عین، دین قابلیت توزیع بین مسؤولان را دارد. به همین جهت، حکم قانون نیز تغییر می‌کند و مسؤولیت تضامنی غاصبان لاحق را می‌پذیرد» [۱۳، ج ۲، ص ۱۱۸]. این خسارات هم از طرف مالک قابل مطالبه است و هم مشتری می‌تواند، بلکه مکلف است داوطلبانه عوض آن‌ها را به او پرداخت کند (مواد ۳۰۱ و ۳۰۳ ق.م.). مشتری بعد از پرداخت خسارت مالک می‌تواند به بایع مراجعه کند و شرط رجوع مشتری به فضولی، پرداخت خسارت به مالک است [۲، ج ۳، ص ۴۹۳]. در مقابل بعضی اشتغال ذمه مشتری را برای امکان مراجعه او به بایع کافی دانسته‌اند [۲۱، ص ۱۷۸]. هرچند با اشتغال ذمه دین ایجاد می‌شود و مدیون ملزم به پرداخت ولو داوطلبانه می‌باشد، ولی حق رجوع به بایع بعد از پرداخت ایجاد می‌شود، زیرا قبل از پرداخت خسارت توسط مشتری، مسؤولیت تضامنی بایع به قوت خود باقی است و در صورتی که برای مشتری این حق را قائل باشیم که با اشتغال ذمه بتواند به بایع مراجعه کند، مالک می‌تواند حتی بعد از رجوع مشتری به بایع و قبل از پرداخت خسارت توسط مشتری، به بایع مراجعه کرده، خسارتش را از او مطالبه کند. به این خاطر است

که حق مراجعه از اشتغال ذمه جدا فرض شده و مراجعه بعد از پرداخت ممکن است. حق مذکور به خاطر مسئولیت تضامنی بایع و بری شدن توسط مشتری است. مطابق با بند ۲ ماده ۱۶۳۰ ق.م. فرانسه، یکی از اقسام خسارت که مشتری می‌تواند از فصول مطالبه کند: «منافعی است که او متعهد است به مالک برگرداند». در مواردی که به واسطه فضولی بودن بیع، مالک مبیع را از مشتری پس می‌گیرد و مشتری خلع ید می‌شود، اگر مبیع منافعی داشته است مالک می‌تواند برای آن منافع به مشتری مراجعه کند. مطابق بند ۲ ماده ۱۶۳۰ ق.م. فرانسه مشتری می‌تواند این منافع را از بایع مطالبه کند. ظاهر قانون به گونه‌ای است که ایجاد شدن تعهد برای امکان ادعای منافع کافی است و ارتباطی به مراجعه مالک به مشتری ندارد و مشتری می‌تواند به محض ملزم شدن به استرداد منافع به فصول مراجعه کند.

شرط دیگری که در این خصوص باید به آن توجه کرد جهل مشتری به فضولی بودن است [۲، ج ۳، ص ۴۹۳؛ ۲۹، ص ۸۲۳]. اعم از این‌که بایع عالم باشد یا جاهل؛ زیرا «در مفهوم غرور عنصر نیرنگ و فریب وجود ندارد تا متوقف بر قصد و عمد غار باشد، و چه بسا شخص غار بدون قصد فریب دادن به توصیف چیزی بپردازد و طرف مقابل براساس اعتماد به گفته‌های وی وارد معامله‌ای گردد و از این رهگذر زیان ببیند. در این‌جا صدق می‌کند که خریدار مغرور شده، در حالی که طرف دیگر قصد وارد کردن زیان به وی را نداشته است» [۱۱، ص ۱۷۰ و ۱۷۱] و «همین نشان دادن خود به‌عنوان مالک موجب غرور و فریب شده است» [۷، ص ۸۶ و ۸۷]. لازمه تحقق غرور انجام فریبکاری نیست، بلکه تحقق فریب است. عمل غار باید عرفاً هر شخص متعارفی را مغرور کند و «هرگاه تقصیری به اغواکننده نسبت داده شود، غرور تحقق می‌یابد، هرچند که او قصد فریب نداشته باشد و از حقیقت نیز آگاه نباشد؛ زیرا برای احراز رابطه سببیت بین فعل مغرورکننده و اغوای فریب‌خورده کافی است» [۹، ص ۱۷۰]. در مقابل احتمال داده شده [۱۷، ص ۱۷۹] ممکن است عنوان مغرور بر مشتری صدق نکند. در موردی که مشتری عالم به موضوع است و عالماً اقدام به معامله فضولی می‌کند و بایع جاهل، چون فریبی ایجاد نشده «با توجه به اقدام مشتری بر علیه خود این مورد مشمول قاعده نیست» [۱۱، ص ۱۶۹] و در این صورت «مشتری حق رجوع به بایع

برای خسارات ناشی از غرور را ندارد» [۶، ج ۲، ص ۴۴۹] و در صورتی که مالک یا فضول جاهل خسارتی دیده باشد حق مراجعه به مشتری عالم وجود دارد [۱۳، ج ۲، ص ۱۳۹].

در حقوق مصر در فرض مسأله مشتری به شرح بند ۲ ماده ۴۴۳ ق.م. مستحق خسارت آتی است: «قیمت ثمره‌هایی که مشتری ملزم به رد آن‌ها به مستحق مبیع است». این ثمره‌ها «آن‌هایی است که قبضشان با سوءنیت است یا این‌که مشتری علم به استحقاق دیگری دارد» [۲۲، ص ۳۳۵]. مشتری در مواردی که سوءنیت دارد یا این‌که علم به استحقاق دیگری دارد نمی‌تواند منافع را قبض کند و اگر قبض کرد ملزم به رد عین یا بدل آن‌ها به مستحق است. در صورتی که مشتری ثمره مبیع را قبض نکرده باشد می‌تواند ثمره‌هایی را که مبیع دارد به‌عنوان خسارت از بایع مطالبه کند؛ «ولی اگر قبض کند به لحاظ این‌که از آن منتفع شده حق رجوع به بایع را ندارد» [۲۲، ص ۳۳۵]. «در این‌جا فرض این است که مشتری قبل از دعوی استحقاق به حق دیگری آگاه است. در نتیجه بر او واجب است ثمره مبیع را از تاریخ علم به موضوع به مستحق بدهد. اما درخصوص منافع مبیع از تاریخ دعوا به این ترتیب است که فواید قانونی قیمت مبیع که از تاریخ کشف استحقاق بر عهده بایع است جایگزین آن می‌شود» [۲۵، ج ۴، ص ۶۸۰]. در مسأله فروش مال غیر برای تعیین ثمن مبیع، مشتری مستحق ثمن مبیع در تاریخ کشف استحقاق به اضافه منافع ثمن از آن تاریخ است.

۲-۳. خسارت ناشی از فوت منافع ممکن الحصول

بعضی منافع مبیع صرفاً با مالکیت حاصل می‌شوند و عرفاً هر قرارداد نوعی به آن‌ها منتهی می‌شود؛ مانند حق بازفروش مبیع (ماده ۳۰ ق.م.)، حصول منفعت از مبیع و... این‌گونه اغراض ممکن‌الحصولند و اگر مانعی از ایجاد آن‌ها جلوگیری کند، خسارت تحقق می‌یابد. عرف نتایج قرارداد صحیح را منفعت می‌داند. در بیع فضولی، مشتری قصد انعقاد قرارداد با مقتضیات خاصی دارد. به علت غرور ناشی از فریب فضولی، مشتری مالک مبیع نمی‌شود و آنچه را مقتضای قرارداد صحیح است، خسارت می‌بیند

و می‌تواند از غار (فضولی) مطالبه کند. در موردی هم که فضول بدون علم به موضوع اقدام به انتقال مال غیر می‌کند به لحاظ تقصیری که داشته ضامن است؛ چرا که «هرگاه فعل زیانبار به وقوع نمی‌پیوست آن منفعت یقیناً عاید شخص می‌گردید» [۳۱، ج ۱، ص ۲۳۶].

ماده ۱۶۳۹ ق.م. فرانسه خسارات مربوط به منافع فوت شده را به قواعد عمومی قراردادهای ارجاع داده است. در قواعد عمومی قراردادهای خسارات متعهدگه دو قسم می‌باشند: ضررهای وارد شده و منافع که متعهدگه از آنها محروم شده است. ماده ۱۱۴۹ ق.م. فرانسه مقرر می‌دارد: «به‌عنوان قاعده خسارات طلبکار عبارتند از ضرری که متحمل شده و منفعی که از آنها محروم گردیده است». قانون فرانسه صرفاً منفعی را قابل مطالبه دانسته که در زمان قرارداد قابل پیش‌بینی بوده یا باید قابل پیش‌بینی باشند. ماده ۱۱۵۰ این قانون در این باره مقرر می‌دارد: «بدهکار (متعهدعلیه) در صورتی که عمداً قرارداد را نقض نکرده باشد، فقط مسؤول خساراتی است که در زمان قرارداد قابل پیش‌بینی بوده یا باید قابل پیش‌بینی باشد». در موارد نقض عمدی نیز متعهدگه صرفاً مسؤول جبران خساراتی است که از نقض ناشی می‌شود؛ این‌گونه که «حتی در مواردی که عدم اجرای قرارداد به علت نقض عمدی متعهد است، خسارات در ارتباط با ضرری که متعهدگه متحمل شده و منفعی که از آن محروم شده است ممکن است فقط شامل آن میزان باشد که نتایج مستقیم و بلاواسطه عدم اجرای قرارداد است» (ماده ۱۱۵۱ ق.م.ف.).

در حقوق مصر انواعی از منافع ممکن‌الحصول ذکر شده است؛ از جمله خسارت ناشی از دست دادن کسب و خسارت ناشی از منافع فوت‌شده. «مشتری می‌تواند خسارت ناشی از دست دادن کسب را از بایع مطالبه کند» [۲۲، ص ۳۴۰] و «می‌تواند مطالبه جبران خسارت کند و به درخواست ابطال بیع اکتفا نکند و خساراتی را که به واسطه منافع فوت‌شده به سبب ابطال بیع متحمل شده بخواهد؛ ولی شرط مطالبه این نوع خسارات حسن‌نیت مشتری است، جدا از این‌که بایع حسن‌نیت یا سوءنیت داشته باشد» [۲۵، ج ۴، ص ۲۹۱]. این موضوع را ماده ۴۶۸ قانون مدنی مصر تصریح کرده است: «مشتری حق دارد از بایع مطالبه خسارت کند. در صورتی که بیع باطل شود این

خسارت شامل ضررهای وارد شده و منافی است که از او فوت شده. مشتری باید حسن نیت داشته باشد، ولی اگر آگاه باشد که مبیع ملک غیر است فقط می‌تواند ثمن را به نرخ تاریخ کشف فضولی مطالبه کند» [۲۵، ج ۴، ص ۲۹۱؛ ۱۶، ص ۱۳۹].

در ایران صرفاً قانون جدید آیین دادرسی کیفری در ماده ۱۴ منافع ممکن‌الحصول را جزء زیان‌هایی دانسته که شاکی می‌تواند از متهم مطالبه کند. در نتیجه در مواردی که قرارداد فضولی جرم است، این ماده قابل تطبیق با موضوع بوده، منافع ممکن‌الحصول مشتری از این طریق قابل جبران می‌باشد. قانون مدنی برای بیان خسارات قابل مطالبه از طرف اصیل در معامله فضولی از عبارت کلی «گرامت» استفاده کرده است. نظریات مشورتی صادره از اداره حقوقی قوه قضاییه اضافه ارزش ملک را قابل مطالبه نمی‌دانند.^۱ بعضی نظرات مشورتی نحوه محاسبه گرامت را در صلاحیت دادگاه دانسته‌اند.^۲ به منظور رفع ابهام باید به ماهیت گرامت و غرور توجه کرد. «گرامت به معنای خُسران، زیان، خسارت، مشقت و دادن مال از روی کراهت» [۳۲، ص ۴۸۸ و ۴۹۰] و جمع آن گرامات است. «غرور، وصف تصرف در عین مال معین است به فریب غیر که موجب ضمان فریبکار گردد» [۳۳، ج ۴، ص ۱۴ و ۱۵۳]. قانونگذار در جایی از لفظ گرامت استفاده کرده که هدف بیان حکم خسارت ناشی از فریب (غرور) را دارد، اعم از این‌که «فضولی مشتری را نسبت به این‌که مالک است فریب داده باشد» [۲، ج ۳، ص ۴۸۳؛ ۶، ج ۲، ص ۴۸۸] یا نه. معیار، فریب مشتری است. مشتری فریب خورده و «با توجه به اماره ید به او اعتماد کرده و تصور کرده مال خود فضول می‌باشد» [۱۱، ج ۱، ص ۱۷۲] و با قرارداد، مالک مبیع و منافع آن می‌شود. بعد از کشف فضولی مشخص می‌شود مشتری مالک مبیع و منافع آن نشده و نسبت به امکان مالکیت و انتفاع از منافع ممکن‌الحصول مبیع مغرور شده و می‌تواند این منافع را به‌عنوان گرامت از فضول مطالبه کند.

۱. نظریات مشورتی: ۱۳۸۲/۱۰/۱۶-۷/۸۳۷۵، ۱۳۸۳/۰۲/۱۴-۷/۸۵۲، ۱۳۸۳/۰۷/۳۰-۷/۵۷۸۴، ۱۳۸۵/۰۷/۳۰-۷/۱۶۵۰، ۱۳۸۶/۰۲/۱۳-۷/۱۶۵۰.

۱۳۸۲/۰۸/۱۳-۷/۶۷۴۷، ۱۳۸۱/۰۲/۰۵-۷/۱۷۹.

۲. نظریه شماره ۱۳۸۳/۰۷/۱۸-۷/۵۱۷۷.

۴. نتیجه

قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه اسلامی، فضول را ضامن استرداد ثمن و جبران غرامات مشتری در صورت جهل مشتری به فضولی بودن قرارداد دانسته است. اکثر نظرات مشورتی که از طرف اداره حقوقی و تدوین قوه قضاییه صادر شده مشتری را مستحق اصل ثمن به انضمام هزینه‌های قرارداد و خسارات دادرسی به‌عنوان غرامات مشتری دانسته‌اند. بعضی از این نظرات هم تفسیر عبارت غرامت را به محاکم احاله داده‌اند. رویه محاکم در این خصوص به وحدت نرسیده. بعضی مشتری را مستحق اصل ثمن و خسارت تأخیر تأدیه به انضمام خسارات قرارداد می‌دانند و بعضی دیگر مشتری را مستحق خسارات قرارداد به انضمام معادل ارزش مبیع در تاریخ کارشناسی به‌عنوان ثمن دانسته‌اند (رأی اصراری شماره ۳۵۷۲-۱۳۴۲/۱۲/۲۶، رأی شماره ۲۳۱-۱۳۲۲/۰۶/۱۹-۷ شعبه ۷ دیوان عالی کشور، رأی شماره ۹۰-۱۳۷۳/۰۳/۰۲ شعبه ۸ دیوان عالی کشور) [۳۴].

در حقوق مصر مشتری می‌تواند قیمت مبیع را در وقت مستحق‌الغیر درآمدن با فواید قانونی از آن تاریخ مطالبه کند و علاوه بر ثمن، مصارف نافی را که برای مبیع کرده و نمی‌تواند آن را از مستحق مطالبه کند، از فضول بخواهد. همچنین مشتری مستحق مخارج دعوای ضمان است و در صورت حسن‌نیت می‌تواند قیمت ثمره‌هایی را که ملزم به رد آن‌ها به مستحق است از بایع مطالبه کند. مشتری در صورتی می‌تواند به بایع مراجعه کند که ثمره مبیع را قبض نکرده باشد؛ ولی اگر قبض کرده باشد به لحاظ انتفاعی که برده، حق مراجعه ندارد. خسارات ناشی از از دست دادن کسب و فوت منافع، خسارت دیگری است که مطابق با حقوق مصر، مشتری می‌تواند از بایع مطالبه کند. مطابق با حقوق فرانسه مشتری می‌تواند ارزش مبیع را به نرخ تاریخ خلع ید مطالبه کند. همچنین مشتری می‌تواند هزینه‌های تحمیلی را در نتیجه قرارداد فضولی به انضمام هزینه دادرسی بخواهد.

در مقاله حاضر با استناد منابع فقهی-حقوقی ایران و با استفاده از مسائل مشترک حقوق مصر و فرانسه که بنا بر مبانی حقوق ایران قابل استفاده هستند، به منظور رفع ابهام از مسأله غرامات مشتری در حقوق ایران معیارهایی استخراج و در

نهایت معیارهای ذیل پذیرفته شد:

۱. اگر مبیع تسلیم نشده باشد، مشتری مستحق مثل ثمن از لحاظ ارزش اقتصادی در زمان کشف فضولی به انضمام خسارات ثمن از آن تاریخ و مخارج و هزینه‌هایی است که مشتری برای قرارداد و مبیع متحمل شده است.
۲. در فرضی که مبیع تسلیم شده باشد، مشتری مستحق ارزش مبیع در زمان خلع ید و خسارات ثمن از آن تاریخ به انضمام هزینه‌ها و مخارجی است که برای قرارداد و مبیع کرده است.
۳. در هر دو صورت، مشتری مستحق منافع ممکن‌الحصول مبیع علاوه بر اضافه ارزش آن است.

۵. منابع

- [۱] محقق حلی، أبو القاسم نجم‌الدین جعفر، *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، ج ۱ و ۲، چ ۴، تهران، انتشارات استقلال، ۱۳۷۳.
- [۲] انصاری، مرتضی، *مکاسب*، ج ۳، چ ۳، قم، مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۲۲ هـ.ق.
- [۳] امام خمینی، *کتاب‌البیع*، ج ۳، چ ۲، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴.
- [۴] حکیم، محسن، *نهج‌الفقاهه*، انتشارات ۲۲ بهمن قم، ۱۳۷۱ هـ.ق.
- [۵] نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، ج ۲۲، چ ۹، قم، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۸.
- [۶] خمینی، روح‌الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات، ۱۳۶۸.
- [۷] محمدی، ابوالحسن، *قواعد فقه*، چ ۵، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۰.
- [۸] شمس، عبدا...، *آیین دادرسی مدنی*، ج ۱، چ ۲، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۱.
- [۹] کاتوزیان، ناصر، *الزام‌های خارج از قرار داد، ضمان قهری، مسؤولیت مدنی*، چ ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۲.
- [۱۰] طباطبایی، سید محمد حسین، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، ج ۴، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲.

- [۱۱] محقق داماد، سید مصطفی، قواعد فقه (مالکیت-مسئولیت)، ج ۱، چ ۱۰، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
- [۱۲] کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۱، چ ۹، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴.
- [۱۳] _____، قواعد عمومی قرار داده‌ها، ج ۲ و ۴، چ ۳، تهران، شرکت سهامی، ۱۳۸۰.
- [۱۴] صانعی، یوسف، استفتائات قضایی، ج ۲، تهران، انتشارات پرتو خورشید، ۱۳۸۴.
- [۱۵] السعید الزقرد، أحمد، عقد البیع، قاهره، الناشر مکتبه العصریه، ۲۰۱۰.
- [۱۶] أبوالسعود، رمضان محمد، شرح أحكام القانون المدني، قاهره، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۱۰.
- [۱۷] خمیس خضر، عقد البیع فی القانون المدنی، مکتبه القاهره الحدیثه، ۱۹۷۲.
- [۱۸] منصور مصطفی منصور، مذاکرات فی القانون المدنی، العقود المسماه - البیع و المقایضه و الايجار، قاهره، ۱۹۵۶.
- [۱۹] سلطان، أنور، العقود المسماه، شرح العقدی البیع و المقایضه، بیروت، دارالنهضه العربیه، ۱۹۸۳.
- [۲۰] البدرای، عبد المنعم، الوجیز فی العقد البیع، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۹۸۵.
- [۲۱] طباطبایی یزدی، محمد کاظم، حاشیه بر مکاسب، ج ۱ و ۲، تهران، انتشارات موسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۸ هـ.ق.
- [۲۲] قاسم، محمد حسن، القانون المدنی، العقود المسماه، البیع، التأمین (الضمان)، الايجار، لبنان، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۸.
- [۲۳] وزارت عدلیه مصر، القانون المدنی، مجموعه الأعمال التحضیریه، العقود المسماه العقود التي تقع علی الملیکيه { من الماده ۴۱۸ إلى الماده ۶۴۵ }، ج ۴، القاهره، دارالکتب العربی، بی‌تا.
- [۲۴] امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۱، چ ۱۹، تهران، انتشارات اسلامیه، ۱۳۷۷.
- [۲۵] السنهوری، عبدالرزاق احمد، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، البیع و المقایضه، ج ۴، چ ۳ جدید، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۹.
- [۲۶] کاتبی، حسینقلی، «خسارت دادرسی»، نشریه کانون وکلای، ش ۵۷، ۱۳۳۶.
- [27] Pierre Heitzmann, Laurent Martinet and Maire-laure cartier-marraud,

Product liability law in France, Mondaq connecting knowledge & people.
28/ November/ 2012.

- [۲۸] طباطبایی یزدی، محمد کاظم، *عروه الوثقی*، ج ۵، چ ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۲۴ هـ.ق.
- [۲۹] طباطبایی یزدی، محمد کاظم، *عروه الوثقی مع التعليقات*، امام خمینی، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.
- [۳۰] هاشمی شاهرودی، سید محمود، *کتاب الاجاره*، ج ۱، قم، مؤسسه دائره المعارف الفقه الاسلامی، ۱۴۲۳ هـ.ق.
- [۳۱] آشوری، محمد، *آیین دادرسی کیفری*، ج ۱، چ ۷، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
- [۳۲] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *ترمینولوژی حقوق*، چ ۲، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۶۷.
- [۳۳] ————— الفارق، *دائره المعارف عمومی حقوق*، ج ۴، تهران، انتشارات گنج دانش، ۱۳۸۶.
- [۳۴] محتشم، مقداد، *قلمرو ضمان درک بائع از حیث رد ثمن و پرداخت غرامات*، ۱۳۹۰/۰۵/۰۹ قابل دسترسی در: <http://dadyari.Mihanblog.com/pos t/339>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی